

# « واکاوی دو نکته از عدالت جنسیتی »

زهرا جعفری

همکار پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

## ۱- چکیده

به زعم مجمع عمومی ملل متحد، دو مفهوم « توسعه اجتماعی » و « عدالت اجتماعی »، در حصول صلح و امنیت میان ملت ها نقش ضروری دارد؛ به سخن دیگر، مجمع عمومی ملل متحد بر این باور است که صلح و امنیت بین المللی و یا احترام به حقوق انسانی و آزادی های اساسی، پیش شرط ضروری برای تحقق عدالت اجتماعی و توسعه اجتماعی به شمار می آید؛ بر این اساس بود که این نهاد، در اجلاس ۶۴ خود که در تاریخ ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۷، برگزار شد، روز ۲۰ فوریه مقارن با ۱ اسفند را به عنوان «روز جهانی عدالت اجتماعی»<sup>۱</sup> نامگذاری نمود.<sup>۲</sup> تا در پرتو این مناسبت جهانی، تلاش های جامعه بین المللی برای ریشه کنی فقر، تحقق اشتغال کامل، تأمین کار شایسته، برابری جنسیتی، و دسترسی به رفاه و عدالت برای همگان، مورد حمایت واقع شود.<sup>۳</sup> در واقع، تحقق عدالت در حوزه های مختلف؛ اعم از حوزه های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از اجزای ضروری تحقق «توسعه انسانی پایدار» و به تبع آن، از موجبات تحقق «عدالت جنسیتی» به شمار می آید. بر این مبنا، روز جهانی عدالت اجتماعی، مقارن با اول اسفندماه را همچون فرصتی مغتنم پاس داشته و نظر به ضرورت پرداختن به مقوله عدالت جنسیتی، در قالب دو محور، و یا از منظر دو نکته، حوزه عدالت جنسیتی را به تأمل نشستیم.

## ۲- مقدمه و ضرورت طرح مسأله

روز جهانی عدالت اجتماعی، روزی که به تناسب موضوع خود، رنگ و بوی عدالت به خود گرفته، فرصت مغتنمی پیش روی ما می گشاید تا این مفهوم را از منظر عدالت جنسیتی به حیطة تأمل واگذار نماییم و در پرتو این روز، به رویه مرسوم و گاه معهود مطالعات تحقیقی، پایبند شده و لذا مفهوم عدالت اجتماعی و حوزه مبانی و مجادلات نظری این مفهوم را از جهات مختلف؛ اعم از عدالت اجتماعی در آموزه های دینی، عدالت اجتماعی در مفاهیم کلامی و فلسفی و عدالت اجتماعی در مفهوم بستر حقوق، به وادی مغتنم بحث و تبادل نظر واگذار نموده و سپس در پرتو آن، مفهوم عدالت جنسیتی را به عنوان یک مصداق از عدالت اجتماعی، بر عدالت در معنای عام و عدالت اجتماعی در معنای خاص، تطبیق کرده و موانع ساختاری و فرهنگی تحقق عدالت جنسیتی را در سطوح مختلف به نقد بنشینیم؛ مع الوصف، به رغم این علاقه؛ که اساساً جامه ضرورتی اجتماعی بر تن نموده است، در مقام حاضر، اجمالاً به ایراد نکاتی از عدالت جنسیتی بسنده می شود و واکاوی مجادلات و مبانی نظری را به زمانی دیگر وا می سپاریم؛

<sup>۱</sup> "World Day of Social Justice".

<sup>۲</sup> <http://www.un.org/en/events/socialjusticeday/background.shtml>.

<sup>۳</sup> شایان ذکر است، این نهاد، روز جهانی عدالت اجتماعی سال ۱۳۹۳ را به موضوع « پایان دهی به قاچاق انسان و کار اجباری»، اختصاص داده است. برگرفته از منبع زیر:

<http://www.un.org/en/events/socialjusticeday>.

با این پیش فرض، عدالت را می توان فی نفسه، از ابعاد مختلف مورد بحث قرار داد؛ گاهی عدالت در حوزه قضا و دادخواهی مطلوب ماست، زمانی عدالت در حوزه اقتصاد، وقتی دیگر عدالت در حوزه سیاست، در حوزه آموزش، در حوزه حمایت های رفاهی پایه، و بالاخره عدالت در مامن کلام ما؛ یعنی **عدالت جنسیتی** قابلیت عرض اندام دارد؛ نیز پس از شناسایی مفهوم عدالت؛ این آموزه رکن دینی و اصل محکم حقوق اسلامی، نوبت این فرا می رسد که چگونه مفهوم جنسیت را می توان بر مفهوم عدالت در معنای عام و عدالت اجتماعی در معنای خاص یک مصداق از مفهوم عام و کلان عدالت، تطبیق داد و یا چگونه می توان جنسیت و حاشیه های آن؛ یعنی انگاره ها، هنجارها و باورهای جنسیتی یا همان نقش هایی که به تناسب تفاوت های بیولوژیکی دو جنس مذکر و مؤنث، برای زنان و مردان تعریف شده است، از منظر عدالت مورد تعمق قرار داد؛ بنابراین، همان طور که ملاحظه می شود، عدالت جنسیتی را نیز به نوبه خود، می توان در شقوق مختلف تقسیم نمود و گاه از منظر بازشناسی مفهوم و اشکال عدالت جنسیتی در حوزه های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آن را به مدآغه نشست و زمانی نیز بازشناسی، حمایت، اجرا و احترام به این قسم از عدالت را در حوزه های قانون گذاری، قاعده سازی، نهادسازی، قضایی، اجرایی و نظارت و پایش، مورد مدآقه و توجه و به تبع آن، موضوع سیاست گذاری شایسته قرار داد؛ لیکن، با احترام به مجال محدود مطالعه حاضر، حسب اختصار، نکاتی از عدالت جنسیتی را در دو حوزه زیر از نظر می گذرانیم:

- عدالت جنسیتی در حوزه حقوق و تکالیف مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان؛
- عدالت جنسیتی در حوزه نهاد خانواده؛

### ۳- عدالت جنسیتی در حوزه حقوق و تکالیف مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان

در قالب بندهای دوگانه زیر به تبیین بیشتر موضوع می پردازیم:

۳-۱- در حوزه نخست عدالت جنسیتی؛ یعنی حوزه حقوق و تکالیف مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان، رهیافت حاصل از احکام صریح مندرج در بند ۹ (رفع تبعیضات ناروا) اصل ۳، اصل ۲۰ (برخوردار بودن زنان و مردان از حمایت حقوقی یکسان) و بند ۱ (ایجاد زمینه های مساعد برای شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او) اصل ۲۱ قانون اساسی و نیز تکلیف روشن مندرج در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، دایر بر تأمین فرصت های برابر و حمایت از نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد و تبعیض، مستلزم آن است که کلیه نهادهای حاکمه و دستگاه های ذی ربط با عزم و اراده جدی، در مسیر تحقق امور زیر طی طریق نمایند:

- تعیین، تعریف و تدوین «سیاست کلی نظام در حوزه زنان» از جانب نهادهای ذی صلاح کشور؛
- جاری و ساری نمودن مفهوم عدالت جنسیتی و اجرایی و عملیاتی نمودن آن؛ چه در بعد شکلی و چه در بعد ماهوی و نیز در کلیه وجوهات خود، در تعریف، تدوین، تصویب، اجرا و پایش کلیه سیاست ها و راهبردهای کلان و خرد و مآلاً در کلیه قوانین، برنامه ها، نقشه های راه، و تدابیر و تمهیدات توسعه ای؛
- بازاندیشی و بازنگری کلیه ساختارها، قوانین، برنامه ها و رویه هایی که مستقیماً حصول عدالت از منظر جنسیت را با دشواری مواجه می سازد و یا به طور غیرمستقیم تحقق این مهم را متعسر خواهد نمود؛

۳-۲- علاوه بر مراتب مقرر در بند فوق، لازم به یادآوری می باشد که با عنایت به نهادینه شدن بسیاری از باورها، هنجارها و انگاره های مبتنی بر عدم توازن و تعادل، بین نقش های تعریف شده برای دو جنس زن و مرد، در بستر تاریخ، تحقق

عدالت در مفهوم جنسیتی، مستلزم آن است که با اتخاذ برنامه های اقدام و نقشه های راه، زنان و مردان و جامعه را در کلیت خود، با الزامات این قسم از عدالت، تحت آموزش های کیفی و دسترس پذیر مستمر قرار داد تا علاوه بر اصلاحات در سطوح شکلی، زیرساخت های فرهنگی جامعه را نیز جهت جاری نمودن عدالت جنسیتی در بستر شایسته خود؛ که آن همانا فرهنگ و عرف حاکم بر جامعه است، مهیا نمود؛ چرا که در غیر این صورت، عدالت جنسیتی و به تبع آن توسعه انسانی پایدار، به سر منزل خود نائل نخواهد آمد؛ به بیان روشن تر، زنان و مردان جامعه باید از امکانات، منابع و فرصت های لازم جهت به فعلیت رساندن استعداد های خدادادی خود برخوردار باشند؛ لیکن این برخورداری صرفاً به معنی، بهره مندی شکلی از حقوق مقرر در قوانین متعدد نیست، بلکه دارندگان حق باید توانایی لازم و ضروری جهت استیفای عملی حقوق و فرصت های خود را به صورت دانش بنیان و مهارتی کسب نمایند؛ چرا که در غیر این صورت، عدالت جنسیتی در مفهوم کیفی خود، ره به سر منزل مقصود نخواهد پیمود؛

جهت تبیین بهتر موضوع ذکر یک مثال خالی از هوده نخواهد بود و آن اینکه اگر بپذیریم تمامی زنان پا به پای مردان از حق مشارکت مؤثر در تعیین سرنوشت اقتصادی خود برخوردار هستند،<sup>۴</sup> بنابراین باید تأیید نماییم که دختران خصوصاً دختران ساکن در مناطق محروم و غیربرخوردار، در اثر عواملی؛ نظیر عوامل زیر از حق بر آموزش محروم می شوند:

- باورهای مرسوم منطقه مبنی بر ازدواج زود هنگام زیر سنین ۱۵ یا ۱۳ سال؛
- دسترس پذیر نبودن مراکز آموزشی و قرار داشتن مدارس در مناطق دور از روستا و یا در مسیرهای صعب العبور؛
- عدم مناسب سازی مدرسه با باورهای محلی؛ برای مثال، بعضاً والدین به علت اینکه معلمان مدرسه مرد هستند از تحصیل دختران خود در آن مدارس امتناع به عمل می آورند؛

عوامل فوق که با نگاه تمثیلی به آن اشاره شد و بالطبع تنها عوامل موجود نیستند، نه تنها حق دختران در بهره مندی از آموزش را زائل خواهند کرد، بلکه به تبع این محرومیت، آنها را از توانمند شدن به علوم و فنون و تا حد معناداری، از توانمند شدن به مهارت های اجتماعی و رفتاری و امکان ارتقای مداوم این مهارت بی بهره خواهند گذارد<sup>۵</sup> و در نتیجه، در بلندمدت آنها را در به کارگیری از فرصت های اشتغال و به دنبال آن از توانایی مشارکت واقعی و سازنده در زندگی عمومی و خصوصی باز خواهند داشت؛ لذا تلاش و سیاست گذاری برای مشارکت کلیه زنان جامعه در سرنوشت اقتصادی خود در مثال حاضر، مستلزم رعایت موارد زیر می باشد:

- ضرورت بازنگری و اصلاح و متناسب سازی کلیه قوانین، رویه ها و موانع ساختاری مغایر تحقق عدالت جنسیتی به عنوان مصداقی از عدالت اجتماعی و اقتصادی؛
- فراهم آوردن زمینه ها، بسترها و زیرساخت های فرهنگی و آموزشی لازم به منظور تحقق عدالت جنسیتی؛ از جمله از طریق گنجاندن مفاد آموزشی در کتب آموزشی و درسی مدارس، با اکتفا بر ارزش های دینی و انسانی؛
- ارائه مشاوره های آموزشی و آموزش های مهارتی دسترس پذیر و مستمر و آگاهی بخشی های عمومی با هدف از بین بردن تدریجی باورهای سنتی مغایر با اعتدالی استعدادهای و کرامت خدادادی انسان و جایگزین سازی این

<sup>۴</sup> بند ۸ اصل ۳ قانون اساسی به تصریح، دولت را موظف می دارد تا امکان مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را تأمین نماید.

<sup>۵</sup> این مهم مغایر صریح تعهدات دولت است که در منطوق بند ۲ (بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها)، بند ۳ (تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه) و بند ۴ (تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی) اندراج یافته است.

باورها با باورهای دانش بنیان مبتنی بر آموزه های دینی، سیاست ها و قوانین موجود در موضوع عدالت اجتماعی؛

• تأمین سه شاخص ضروری؛ یعنی « مناسب سازی»، « دسترس پذیری» و « کیفی بودن» در تجهیزات، امکانات، اماکن و تسهیلات آموزشی؛ نیز تأمین کیفی بودن کارکنان و کتب درسی و برنامه های آموزشی مدارس و فراهم آوردن امکان واقعی دسترسی آسان به مدارس برای کلیه ساکنین مناطق صعب العبور و حاشیه ای؛ خصوصاً دختران؛ و لحاظ اقتضائات خاص گروه های در حاشیه، افراد دارای معلولیت و مبتلایان به بیماری های خاص و صعب العلاج؛

#### ۴- عدالت جنسیتی در نهاد خانواده

در قالب سه بند زیر شرح بیشتر موضوع خواهد آمد:

۴-۱- در دومین حوزه از بحث ما؛ یعنی حوزه تحقق عدالت جنسیتی در نهاد خانواده، باید اشعار داشت به اینکه نهاد خانواده جایگاهی رکین در نظام تربیتی ما دارد و بخش عمده آن از نوع نگرش دین مبین اسلام به این نهاد نشأت گرفته است. پیامبر اسلام (ص) در مقام ارج نهادن بر نهاد خانواده می فرماید: « ما بنی فی الاسلام بناء أحبّ الی الله تعالی و اعزّ من التزویج»؛ «در اسلام هیچ نهادی محبوب تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نزد خداوند بنا نشده است». در واقع، خانواده ابتدایی ترین، اساسی ترین و بنیادی ترین واحد جامعه اسلامی ما محسوب می شود. واحدی که فرد سیر اجتماعی شدن را در آن می پیماید و بایدها، نبایدها، هنجارها، مفاهیم و اصول ارزشی خاص اجتماع، فرهنگ و مذهب خویش را در بطن آن می شنود، می بیند، می آموزد و بلکه در اعماق جانش نهادینه می شود. در این کانون اولیه، نخستین اثرگذاری و اثرپذیری آغاز می شود.<sup>۶</sup> خانواده به مثابه بستری است که فرد ابتدا مهارت های فردی، مهارت های بین فردی، نحوه تعامل با دیگر افراد و انجام خدمات عام المنفعه را در بطن آن می آموزد؛ لذا مهمترین کارکردهای خانواده را می توان تنظیم رفتارهای جنسی<sup>۷</sup> و بالمآل یاری رسانی به سطح امنیت اجتماعی و اخلاقی جامعه، شکوفایی استعداد های ذاتی و خدادادی کودکان، تکامل انسان و اعتلای آموزه های دینی و اخلاقی، تأمین پایگاه اجتماعی افراد خانواده، کنترل اجتماعی همسران و فرزندان،<sup>۸</sup> حفظ و حراست از سلامت جسم و روان اعضای خود و حمایت و مراقبت از ایشان، آموزش مشارکت در حل مسائل، تقویت روحیه جمعی، پایه گذاری مسؤولیت پذیری و تعهد اجتماعی، و صیانت از سرمایه انسانی کشور و جلوگیری از ریزش آن به «زیر سطح جانشینی»<sup>۹</sup> و آموزش های فردی و اجتماعی و انتقال فرهنگ و زبان ملی<sup>۱۰</sup> برشمرد؛

<sup>۶</sup> <http://www.ihrc.ir/Page.aspx?ID=3056&Group=CaseStudy&Title>.

<sup>۷</sup> <http://www.pazhoheshkade.ir/%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87-%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%D8%A7%D9%85%D9%84-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%AF%D9%87/>

<sup>۸</sup> Ibid.

<sup>۹</sup> طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، به موجب بند ۴ ماده ۱ خود در تعریف « سطح جانشینی باروری» تصریح می دارد: « سطحی از باروری است که در آن میزان کمی جمعیت از یک نسل به نسل بعدی جایگزین خود می شود. این عدد در محاسبات علمی حداقل ۲.۱ می باشد.»؛ لذا طبق این مهم، سطح جانشینی اشاره به این دارد که هر مادر حداقل باید یک مادر جانشین خود کند؛ به عبارت دیگر، هر ده زن ۲۱ بچه به دنیا آورد.

<sup>۱۰</sup> <http://www.pazhoheshkade.ir>, ibid.

۴-۲- همانطور که بند فوق نشان می دهد، در بستر خانواده است که فرد ابتدائاً با معیارهای دینی و اخلاقی یک زندگی سالم اجتماعی آشنا می شود و از همان بدو نشو و نما نقش خود را در توسعه مذهب، فرهنگ، ملیت، و توسعه محله، مدرسه و جامعه خود درک می کند و با تفاوت های دو جنس زن و مرد، و نقش های اجتماعی تعریف شده برای زنان و مردان آشنا و بلکه آمیخته می شود؛ لذا حصول عدالت جنسیتی در سطوح کلان، مستلزم آن است که در گام نخست این مفهوم را وارد خانواده کرد و اعضای جامعه را از همان ابتدای ورود به عرصه معادلات و تعاملات انسانی با مفاهیم والای دینی و اخلاقی دایر بر ارزش و کرامت انسان، و جاری نمودن احترام به این کرامت در کلیه شئون زندگی خصوصی و عمومی هم آمیخته نمود. در این کانون است که باید و می توان با تنظیم برنامه ها و قواعد چندوجهی و مؤثر در برقراری « فرهنگ توازن و تعادل در حقوق و تکالیف زن و مرد»، فرزندان خانواده را یاری نمود تا با اشراف به تفاوت های دو جنس، عدالت جنسیتی را تمرین کرده و چگونگی دستیابی به این آرمان دینی و انسانی را بعد از درک این موازنه جنسیتی بیاموزند؛

۴-۳- بنابراین، تقویت عدالت جنسیتی، تلاش برای توانمندسازی و توان افزایی دو انسان، از دو جنس متفاوت، جهت دستیابی به فرصت ها، امکانات و منابع در ابعاد مختلف سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد و این فرصت سازی زمانی تحقق واقعی می یابد که هر دو جنس زن و مرد، چگونگی برقراری توازن بین وظایف متنوع خود به عنوان زن و مرد را تمرین کرده باشند و به طور قطع، فراهم سازی امکانات دسترس پذیر و کیفی آموزش های مهارتی برای اعضای خانواده، به تناسب وضعیت و اقتضات هر خانواده، نقش مهمی در این تمرین دارد؛ لذا ضروری می نماید در پرداختن به پیشگیری از آسیب های وارده به زن، جلوگیری از اعمال خشونت خانگی و خشونت در روابط اجتماعی، این چشم انداز بلندمدت را دنبال کنیم که چگونه یک زن می تواند به تمامیت جسمی و روانی و تکالیف دینی و حقوق خود آگاهی یافته، از امکانات فردی و اجتماعی کیفی و دسترس پذیر بهره گرفته و با «خودتوانمندسازی» از آسیب های وارده به خود محافظت کند؛ چراکه درک زن از خود، به حضور و مشارکت مؤثر وی در توسعه انسانی پایدار منتهی خواهد شد و زن این توانمندی را کسب خواهد کرد که در هر موقعیتی، به انتخاب آگاهانه مبادرت ورزیده و مسئولیت های انتخاب آگاهانه خود را پذیرفته و با آگاهی کامل، و درک صحیح از تفاوت های جنسیتی، تمامیت استعداد های خدادادی بالقوه و دایره نهاده شده در خود را به فعلیت برساند؛

## ۵- سخن پایانی

در پایان امید می رود عدالت در معنای عام و عدالت جنسیتی به عنوان مصداقی از این مفهوم، در اذهان، قلوب و باورهای ما جاری شده و به برکت این باور قلبی، قوام و استحکام یافته و در گفتار و اعمال روزمره ما نمود و بروز عینی یابد تا بتوان در پرتو آن، از تبعیضات نامبارک؛ نظیر «زنانه شدن فقر»، «زنانه شدن بخش غیررسمی اقتصاد» و یا «زنانه شدن آسیب های اجتماعی» در مفهوم کلان، که به طور قطع زیبنده کشور اسلامی مان و شئون زن مسلمان نخواهد بود، پیشگیری به عمل آورد.